

کارگران

جهان متحد شوید!

کوردستان

شماره

۵۳

در این شماره ...

- ص ۲ مقصر کیست؟
- ص ۳ انتخابات در ترکیه و چشم انداز سیاسی آن.....
- ص ۴ زن و آزادی
- ص ۵ بنیادگرایی مذهبی و علل رشد آن
- ص ۶ به یاد دو ستاره سرخ

آرام آ...ی مادرم. آرام
 بگذار تا سپیده برآید
 بگذار با سپیده ببندند
 پشت مرا به تیر
 بگذار تا بر آید "آتش"
 بگذار تا ستارهء شلیک
 دیوانه وار بگذرد از کهنشان
 خون
 خون شعله ور شود
 بگذار باغ خون
 بر خاک تیر باران
 پرپر شود
 بگذار بذر "تیر"
 چون جنگلی بروید در آفتاب
 خون



بر این ویران دیگر بار ببار ای خشم! ای خشم چون گداز آتشفشان ببار



این غنچه ها هنوز نشکفته که به دلیل فشارهای روحی و جسمی و ترس از آینده نامعلوم پرپر می گردند . مهمترین علت کار کودکان رشد و گسترش فقر و نابرابری در جامعه است . کودکی که پیش از رفتن به مدرسه مشغول کار می شود نمیتواند رشد کرده و نیروی خلاق خویش را بکار ببندد . در حالی که اگر از حداقل امکانات رفاهی بهرمند گردد و سواد را فرا می گرفت . آنگاه چنین مشکلاتی روی نمی دادند .

ده ها هزار کودک زیر ۱۵ سال بخشی از نیروی کار کشورند که بخشی بزرگ از آنان از شرایط مساعد کار ، زندگی و فراگیری سواد محرومند . بسیاری از کودکان ۱۰ تا ۱۸ سال در بخشهای صنعتی ، خرده فروشی ، تعمیرات ، حمل و نقل و ماهیگیری فعالیت دارند .

از طرفی دیگر ده ها هزار دانش آموز پس از اتمام مرحله راهنمایی قادر نیستند مرحله متوسطه را ادامه داده و به ناچار روانه بازارهای کار رسمی و نیمه رسمی در شهر و روستاها می گردند . نیمی از کسانی که ترک تحصیل نموده اند را دختران تشکیل می دهند ، به همین دلیل حتی اگر گفته مسئولین رسمی رژیم را که می کوشند حداقل حقایق را اعلام نمایند تا اینکه رژیمشان بی بلا بماند و همچنین مورد خشم و نفرین مسئولین بلند پایه تر خویش قرار نگیرند ، مبنای ارزیابی خویش قرار دهیم ، چشم اندازی از وضعیت کار و زندگی وحشتناک کودکان در برابر دیده گانمان خودنمایی میکند .

جامعه ای که بیشتر از ۸۰٪ افراد آنت در ترس و وحشت از آینده زندگی میکنند ، جامعه ای که در آن میانگین سنی تن فروشی و سکنه قلبی ۲۰ سال است ! آیا این جامعه فاجعه دلخراش انسانی نیست پس چیست ؟

از آزادی و عدالت نبرده است .

ایران در زمره کشورهاییست که حقوق کودکان در سطحی گسترده پایمال می گردد کارنامه رژیم جمهوری اسلامی ایران در این زمینه بسیار تاریک و ننگین است . سازمانها و نهادهای منطقه پی و جهانی حقوق کودکان در این زمینه اسناد بسیاری در دسترس دارند .

استثمار کودکان در شدیدترین وجه ممکن از ابتدای حاکمیت جمهوری اسلامی شروع گردید و تاکنون نیز ادامه دارد . نمونه بسیار آشکار آن سود اندوزی از کار کودکان است . رژیم جمهوری اسلامی ایران از استثمار کودکان در پی کسب سود و منفعت مادی است . بی توجهی به مسئله کودکان از مشکلات جامعه ایران محسوب می گردد . نظامی که در آن کودکان به اتکا وضعیت اقتصادی خانواده هایشان روزگار را سپری می کنند و حاکمیت نیز خود را در برابر مشکلات آنان مسئول نمی داند ، با توجه به اینکه در ایران صدها هزار کودک خیابانی وجود دارند و ملیونها کودک به دلیل فقر و نبود امکانات از درس و مدرسه محروم هستند و در فقر و محرومیت مطلق بسر می برند ، راه دیگری در پیش ندارند جز اینکه برای بقاء خویش تن به بردگی و کار طلاق فرسا دهند . امروز کار کودکان در جامعه ایران ، جامعه ای که افزون بر ۸۰٪ آن زیر خط فقر بسر می برند امری طبیعی محسوب می گردد .

ایران در زمره کشورهاییست که حقوق کودکان در سطحی گسترده پایمال می گردد کارنامه رژیم جمهوری اسلامی ایران در این زمینه بسیار تاریک و ننگین است . سازمانها و نهادهای منطقه پی و جهانی حقوق کودکان در این زمینه اسناد بسیاری در دسترس دارند .

استثمار کودکان در شدیدترین وجه ممکن از ابتدای حاکمیت جمهوری اسلامی شروع گردید و تاکنون نیز ادامه دارد . نمونه بسیار آشکار آن سود اندوزی از کار کودکان است . رژیم جمهوری اسلامی ایران از استثمار کودکان در پی کسب سود و منفعت مادی است . بی توجهی به مسئله کودکان از مشکلات جامعه ایران محسوب می گردد . نظامی که در آن کودکان به اتکا وضعیت اقتصادی خانواده هایشان روزگار را سپری می کنند و حاکمیت نیز خود را در برابر مشکلات آنان مسئول نمی داند ، با توجه به اینکه در ایران صدها هزار کودک خیابانی وجود دارند و ملیونها کودک به دلیل فقر و نبود امکانات از درس و مدرسه محروم هستند و در فقر و محرومیت مطلق بسر می برند ، راه دیگری در پیش ندارند جز اینکه برای بقاء خویش تن به بردگی و کار طلاق فرسا دهند . امروز کار کودکان در جامعه ایران ، جامعه ای که افزون بر ۸۰٪ آن زیر خط فقر بسر می برند امری طبیعی محسوب می گردد .



در این میان حزب عدالت و توسعه با سومین دوره پیاپی پیروزی در انتخابات ترکیه بر طبل احیای قدرت و عظمت امپراطوری عثمانی می کوبد و پیروزی خویش را پیروزی مسامنان از استانبول تا بوسنی و از ازمیر تا بیروت و از آنکارا تا دمشق و از دیاربکر تا راولپنڈی و نابلس و جنین و کرانه غربی و قدس و غزه اعلام میکند.

البته نقشه ای که اردغان و حزب او در احیای قدرت امپراطوری عثمانی در سر می پرورانن نه بسط مرزهای جغرافیایی بلکه گسترش حوزه نفوذ و بسط اقتدار اقتصادی و فرهنگی ترکیه در منطقه است.

انتخابات پارلمانی ترکیه که در روز ۱۲ ژوئن برگزار شد حزب عدالت و توسعه برهبری رجب طیب اردغان نخست وزیر کنونی ترکیه برای سومین دوره پیاپی توانست به پیروزی دست یافته و همچنان زمام امور کشور را در دست گیرد.

البته حد نصاب کرسی های بدست آمده توسط حزب عدالت و توسعه به حدی نیست که بتواند تغییراتی را در قانون اساسی ترکیه بوجود آورد و به همین منظور حزب عدالت و توسعه درصدد است تا با احزاب مخالف در باره تغییرات قانون اساسی به گفتگو بپردازد.

ایفای نقش برتر ترکیه در منطقه از هوشمندی و درایت رهبران مرتجع این کشور بلکه ناشی از حمایت های بی دریغ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا از حاکمان آن است.

امپریالیسم برای کنترل و مهار اسلام بنیادگرا به احزابی امثال حزب توسعه و عدالت محتاج است و برای سرکوب انقلاب در کشوری که پل ارتباطی بین آسیا و اروپا بشمار میرود از ناسیونالیست های افراطی ترک و ارتش حامی آنان استفاده خواهد کرد.

در انتخابات پارلمانی ترکیه کردها توانستند ۳۶ کرسی پرلمان را کسب نمایند از ۳۶ نماینده کردها که برای پرلمان برگزیده شده اند ۶ تن آنان هم اکنون در زندان بسر می برند و ۱۱ تن از مجموع نمایندگان کرد را زنان تشکیل می دهند. با این توضیح می توان دریافت که اکثریت پرلمان در اختیار کسانی است خواهان تغییر قانون اساسی ترکیه هستند که بعد از کودتای نظامی سال ۱۹۸۲ تدوین گشته است.

ضرورت تغییر در قانون اساسی ترکیه خود به مسائل دیگری منجر میگردد که ترکیه را در بحران های سیاسی گرفتار خواهد نمود.

در این میان مسئله کردها روز بروز در ترکیه حادثر میگردد.

حزب حاکم هر چند برای تغییر قانون اساسی به اتحاد کردها نیاز دارد اما خواسته های کردها اکنون بسیار فراتر از آن چیزی است که حزب حاکم حاضر به قبول و انجام آن است. از همینرو تن دادن به خواسته های کردها برای حزب حاکم عدالت و توسعه بمتأبه فرود آوردن شمشیر دولبه بر گردن خویش است. قبول خواسته های کردها بمنزله رد خواسته های ناسیونالیست های افراطی ترک است که در حزب عدالت و توسعه بسیارند و سر باز زدن از خواسته کردها خطر دوره جدیدی از شورشها و ناآرامی های مناطق کردنشین را بهمراه دارد.

طبق اخبار رسیده شاهرخ زمانی عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری و نیز از اعضای سندیکای نقاشان در تاریخ ۱۷ خرداد دستگیر شده و هم اکنون در زندان تبریز بسر می برد.

اگر چه هنوز از جزئیات اتهامات وی خبری در دست نیست، اما اگر خبر رسیده درست باشد بیانگر تقلای دستگاه سرکوب رژیم برای شناسایی و ارباب عناصر فعال درون جنبش کارگری و جلوگیری از رسوایی و افشای سیاست های ضدکارگری رژیم در انظار بین المللی است. همین دیروز بود که چهار سندیکای کارگری چپ فرانسه با حمایت گسترده جناح های مختلف اپوزیسیون ایران در اعتراض به سیاست های رژیم مقابل دفتر سازمان جهانی کار دست به تظاهرات زدند و خواستار اخراج عوامل دست چین شده رژیم از سازمان جهانی کار شدند.

اینکه رژیم هر اعتراضی و هر خواست برحق کارگران را با تهدید و ارباب و زندان و بازجویی پاسخ می دهد، موضوع جدیدی نیست. اما جای تعجب است که کارگزاران رژیم بعد از سی و دو سال ادامه این سیاست هنوز به نافرجام بودن آن پی نبرده اند و هنوز تلاش دارند با تهدید و ارباب کارگران ایران را از مبارزه برای زندگی انسانی بازدارند. زهی خیال باطل!!

مبارزه برای آزادی کارگران زندانی با آکسیون دیروز به پایان نرسیده. تلاش های رژیم و از جمله دستگیری شاهرخ زمانی تنها پرونده جنایات و نقض حقوق کارگران توسط رژیم سرمایه داری اسلامی را سیاه تر خواهد کرد..

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
۲۰ خرداد ۱۳۹۰

زن و آزادی

مسئله زن و آزادی مسئله یی

بسیار فراتر از کسب

آزادیهای دمکراتیک

بورژوایی برای زنان و رها

شدن آنان از بردگی اطاق

خواب و آشپزخانه است .

مسئله زن و آزادی و درک این مسئله مستقیماً بر می گردد به درک ما از مسئله ستم و استثمار در جامعه طبقاتی و ضرورت کشف مظاهر ستم در جامعه ای که برپایه استثمار انسان از انسان پایه گذاری شده است و لازم است مسئله ستم در جامعه طبقاتی به شیوه دیالکتیکی تجزیه و تحلیل گردد تا اینکه بتوانین مظاهر ستم برپایه استثمار طبقاتی را شناسایی نمائیم ، آنها را بخوبی بشناسیم و برای محو آن به مبارزه نمائیم . اگر قادر باشیم با چنین دیدی به مسئله ستم و استثمار و انواع آنرا در جامعه طبقاتی نظر بیندازیم آنگاه خواهیم فهمید که چنین جامعه ای که نظام استثمارگر بر آن حاکم است در تمامیت آن با تمام طبقات و اقشار آن درگیر روابط و مناسبات نابرابر و غیر عادلانه اند . وجود ستم ملی ، جنسی ، نژادی ، مذهبی و غیره ، حقیقتی است که در چنین جامعه ای میتوان آنرا لمس کرد و بایستی برای محو آن تلاش نمود . اما اصل این است که منشا و علت اصلی انواع ستم از این قبیل را بعوان عامل اصلی آنها هیچگاه از یاد نبرده و ارتباط حتمی آنها را به عامل اصلی یعنی ستم طبقاتی و وجود نظام استثمارگر را همواره در نظر گیریم . تا اینکه قادر باشیم مبارزه عملی و موثر بمنظور پیشبرد و گسترش مبارزه همه جانبه طبقه و اقشار تحت ستم را به انجام برسانیم . اگر نظام استثمارگر سرمایه داری در اشکال مختلف آن منحط و روبه زوال است بایستی بدانین که روابط و مناسباتی که چنین نظامی برپایه آن استوار است روابط و مناسبات کهنی است که روابط و مناسبات رونبایی کهن را به دنبال داشته که خود را در غالب ستم ملی ، مذهبی ، جنسی و نژادی و غیره پدیدار می سازد . هر چند مبارزه برای تحقق و کسب آزادیهای دمکراتیک به ویژه در مورد زنان ضروری است تاجایی که آنان احساس و درک نمایند که منشا بردگی و ستم بر آنان نه در نبود آزادیهای دمکراتیک بورژوایی بلکه در وجود روابط و مناسبات اجتماعی و اقتصادی کهن و پوسیده ای استثمارگرانه است .

زنان نیز بخشی از آن محسوب میگردند جدا نمود و ارتباط آنها با یکدیگر را نفی نمود . بایستی در نظر داشت که در جامعه ای که روابط و مناسبات استثمارگرانه و غیر عادلانه استثمار انسان از جانب انسان در آن مرسوم است علیرغم تحقق و کسب آزادیهای دمکراتیک بورژوایی برای زنان ، آنها همچنان همانند اقشار هم سرنوشت خویش در نمل و زنجیر بردگی گرفتارند . اگر با چنین منشی مسئله زن و آزادی و مبارزه زنان و جنبش آنان را تحلیل نمائیم آن وقت در خواهیم یافت که منظور و هدف از تلاش و تقلائی ، تئورسینیهای سرسپرده بورژوازی برای محدود کردن مبارزه زنان در چهارچوب محدود و اجازه داده شده برای کسب آزادیهای دمکراتیک بورژوایی که در انجام آن نیز تردید وجود دارد ، چیست . آن وقت در خواهیم یافت که آنها نیز همانند آنهایی که مدنییه فاضله ی آنها را حاکم هستند خواستار آنند که زن همانند وسیله و ابزار خوشگذرانی و تولید مثل نه زیر سایه حجاب و چادر بلکه اینبار در کاباره ها و اماکن خوشگذرانی رسمی و قانونی به جای صیغه خانه ها روابط و مناسبات استثمارگرانه جنسی را باز تولید نمایند . ستم جنسی خود حاصل و باز تولید تفکر و عقاید ارتجاعی است که زن را در مصل کار و زندگی چه در جامعه و چه اطاق خواب و آشپزخانه است .

در خانواده اسیر می نمائید . اما تفکرات ارتجاعی نیز محصول روابط و مناسبات کهن و و پوسیده تولیدست که برپایه استثمار و نظام طبقاتی استوار است و عامل مادی زمینه ی رشد و گسترش اشکال ستم و از جمله ستم جنسی را فراهم میسازد . بهمین خاطر ضروری است زمینه های مادی که ریشه در روابط و مناسبات استثمارگرانه دارد و موجب پدیدار اشکال ستم در جامعه طبقاتی میگردد از میان برداشته شوند و تغیر و تحول بنیادی در روابط و مناسبات سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی بوجود آید . در پیش گرفتن استراتژی مشخص موجب میگردد تا توان و انرژی ما برای رسیدن به اهدافمان به هدر نرود . اما در همان حال نیز میتوان با در نظر گرفتن شرایط مبارزه و برجسته بودن اشکال ستم در جامعه تحت ستم ، بطور مثال مبارزه زنان بمنظور کسب آزادیهای دمکراتیک که شروعی است برای رشد و گسترش مبارزه آنان برای آزادی و ارتباط محکم و پایدار با مبارزه دیگر اقشار تحت ستم در جامعه تحت ستم ، در مبارزات آنان فعالانه شرکت نمائیم . بهمین منظور مسئله زن و آزادی مسئله یی بسیار فراتر از کسب آزادیهای دمکراتیک بورژوایی برای زنان و رها شدن آنان از بردگی اطاق خواب و آشپزخانه است .

جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، تساوی حقوق کلیه شهروندان را صرف نظر از نژاد ، ملیت ، مذهب ، عقیده ، جنسیت ، زنان و غیره در تمامی زمینه ها برسمیت می شناسد و با هرگونه امتیاز ، برتری و ستم به اقلیت های ملی ، فرهنگی و ... مبارزه می کند و مبارزه با مرد سالاری ، زن ستیزی و باورهای ارتجاعی مذهبی و سنتی بویژه در مورد تعرض به حقوق زنان را وظیفه خود می داند .

جهشهایی که در جهت جهانی شدن سرمایه در اوضاع کنونی انجام میپذیرد و همگام است با روند سریع و شتابزده انباشت سرمایه در جهانی که سیستم امپریالیستی بر آن غالب است. جهانی شدن، تغییرات سریع و ناگهانی در زندگی توده ها بجای گذاشته و اغلب موجب تضعیف روابط و مناسبات و آداب سنتی در جوامع می شود البته بایستی توجه داشته باشیم که چنین تأثیراتی در کشورهای جهان سوم غالباً به رشد بنیادگرایی مذهبی منجر گردیده است. با رشد روابط و مناسبات تولیدی سرمایه داری در کشورهای جهان سوم اقشار خرده بورژوازی شهر و روستا از حداقل امکانات سرمایه پی خویش نیز بی بهره گردیده و بخصوص اینکه خرده بورژوازی روستا با از دست دادن قطع زمین کوچک خویش نیز برای امرار معاش ناگزیر بسوی شهرها کوچ کرده و به خیل حاشیه نشینها می پیوندند.

این خیل عظیم حاشیه نشینها یا زاغه نشینها نه دارای شرایط سنتی خویش هستند و نه میتوانند بسادگی در شرایط جدید جذب شوند. آنان اکثراً در فعالیتهای اقتصادی غیر رسمی نظیر دوره گردی و دست فروشی و یا قاچاق و ... مشغول می باشند. خیل عظیمی که از شرایط سنتی خویش کنده شده و امکانات جذب در شرایط جدید را ندارند، زمینه های مساعد را برای دلبستگی به بنیادگرایی مذهبی دارند. فردی که به بنیادگرایی مذهبی روی می آورد خسته از تحمل شرایط جدید راه غلبه بر شرایط وخیم زندگی خویش را در احیاء شرایط گذشته میبیند که حداقل برایش قابل تحمل تر بوده است. علاوه بر این هنوز در جستجوی آن است که بتواند همانند گذشته حداقل سرمایه ای از خویش داشته باشد.

رشد بنیادگرایی مذهبی مختص به کشورهای نیست که اسلام دین غالب و مسلط بر آن کشوره می باشد بلکه در کشورهای عقب مانده ی مسیحی نشین نیز تقابل توده های تهیدست پروتستان با کاتولیکها را شاهد هستیم.

رشد بنیادگرایی مذهبی مختص به کشورهای نیست که اسلام دین غالب و مسلط بر آن کشور می باشد بلکه در کشورهای عقب مانده ی مسیحی نشین نیز تقابل توده های تهیدست پروتستان با کاتولیکها را شاهد هستیم.

بنیادگرایی مذهبی

حرکات آگاهانه سیاسی امپریالیستی نیز در

نگاهی به تاریخ نشان می

دهد که امپریالیسم جهانی برای مقابله با فروپاشی اردوگاه سوسیالیستی، رشد افکار کمونیستی و حتی غیر مذهبی امپریالیستها سعی بر آن داشته اند تمسک به عقاید ارتجاعی را تنها راه مخالفت با تا چه حد به تقویت مذهب و بنیادگرایی نظم استثمارگرانه موجود جا بیندازند. مذهبی کمک نموده است. حداقل تاریخ توده های تشنه آزادی و عدالت اجتماعی صد سال اخیر ایران از زمان جنبش زمانی که تحت تأثیر تبلیغات مغرضانه امپریالیستها و روشنفکران قلم به مزد آنان که هر دم بر طبل مرگ کمونیسم می کوبند قرار می گیرند ره برون رفت از شرایط استثمارگرانه حاکم و مبارزه بر گام برداشته اند.

بازم که دست خالی برگشتی مرد،
پس کونونت؟!





آخرین اطلاعات و خیریات سازمان را از این آدرسها دریافت کنید

WWW.kare-online.com

www.fedayi.org

webmaster@fedayi.org

FAX:+46317792571

Kurdistan@fedayi.org

azer@fedayi.org

روابط عمومی

**کمیته کردستان
کمیته آذربایجان**

لوئیس هاین Lewis Hine

معلم نقاشی ، منتقد اجتماعی و عکاس آمریکایی در سال ۱۸۷۴ دنیا آمد . برای امرار معاش خویش دوران کودکی و جوانیش را با کار گذارند و از همین دوره استثمار و بهره‌کشی رات با تمام وجود تجربه نمود . بیکاری و فقر را نیز لمس نمود .

شرایط زندگی و محیط اطراف و همچنین تجربیات زندگی تاثیر خویش را بر لوئیس بجای گذاشتند . لوئیس هاین از دوربین عکاسی خویش برای توضیح و تشریح و ثبت زندگی و شرایط سخت کاری کارگران و کار کودکان در جامعه طبقاتی سرمایه داری بهره برد و برا این باور بود که می توان از دوربین عکاسی همچون سلاحی استفاده نمود .

اگر چه لوئیس هاین برای تشریح چنین وضعیتی دردناک در مسیر تغییر مناسبات موجود نبود اما توانست کار و زندگی کارگران را به خوبی به تصویر بکشد . عکسهای او تصویری زنده از شرایط ظالمانه و غیر انسانی حاکم بر کارگران مهاجر و کودکان آنها بود . تصاویر لوئیس از کار کارگران و کودکان توانست بر افکار عمومی جهت تغییر شرایط کار و زندگی استثمار شوندهگان تاثیرگذار شود و زمینه های اصلاح و بهبود نسبی شرایط کار در کارخانه ها فراهم گردد .



به یاد دو ستاره سرخ ، فدائیان شهید رفیق کبیر امیر پرویز پویان و شاعر خلق سعید سلطانیپور



گفتم : " اینهم لباس است . گفت : خیلی اشرافیه و دستش را که در جیبهایش بود از آستر دست کتتش بیرون آورد و با انگشتانش بازی کرد . خنده ام گرفت . او نیز میخندید : " ممکن است توهم روزی لازم باشد آسترکتت را پاره کنی . " منظورش را نفهمیدم . در آن هوای سرد هزارها متر با هم پیاده روی کردیم و در باره زندگی کارگران حرف زد . از زندگی دهقانان ، از سندیگاهها ، از شرکتهای زراعی ... از بانکها ... از وامهای مردم فقیر و تهیدست ، و سپس از روشنفکران بورژوا حرف زد : " هر کسی در خلوت و در حرف مبارزه است !! " به او گفتم چه باید کرد ؟ " خندید و گفت : " اگر دقیقاً به من بگویی که چه کاری نمیشود انجام داد . آن وقت به تو میگویم که چه کاری قابل انجام است . " ساکت شدم : " برای آنکه بدانی و آگاه باشی که چه کاری را نباید انجام دهی ، باید کار و فعالیت داشته باشی ، باید جامعه را بشناسی ، به روستاها بروی ، از کارخانه ها با خبر شوی ، باید بدانی که زیر این سقف چه روی میدهد . " و آنوقت به آلونکهای پشت مجسمه اشاره کرد . از آن شب به بعد او را ندیدم . فکر میکنم همان شب با آن تکان سر و نگاه تیزش به آن آلونکها در میان همان آلونکها از من جدا شد . هر وقت به آن فکر میکنم آلونکهای آن شب سرد در جلو چشمانم ظاهر میشود و آن رفیق که مانند گوزنی که در گردش باشد در میان آن آلونکها از من دور شد . مبارزی هنرمند بود . گاهی اوقات شعر میسرود و گاهی اوقات داستان مینوشت . در انتقاد از هنر و هنرمند اگر چند نوشته بیش ندارد ، اما پایه گذار روش و متد مارکسیستی در انتقاد از هنر است . آن شب آخری که او را دیدم از خانه تیمی به تئاتر آمده بود و من از این موضوع اطلاعی نداشتم . رفیقی ساده و هشیار ، منتقد و مهربان ... رفیقی انقلابی که بسیار مرا آموخت . رفیق کبیر پویان و رفقای او پایه گذار جنبش نوین کمونیستی ایران بودند . جنبشی که هم اکنون نیز ارزشهای تاریخی آن بخصوص در زمینه ارتباط خلاقانه تئوری و پراتیک و نتایج نوین آن سرفصل بحث و مبارزه تئوریک نیروهای انقلابی است .

خرداد ، ماه به خاک و خون غلطیدن ده ها فدایی مبارز و کمونیست است . کسانی که با پافشاری بر آرمانهای انسانی خویش برگهای پراز افتخار تاریخ مبارزه برابری طلبانه و آزادیخواهانه طبقه کارگر و زحمتکش ایران را رقم زدند . مطلب زیر نوشته فدایی شهید رفیق سعید سلطانیپور ، شاعر توده های محروم و ستمکش درباره انقلابی کبیر ، فدایی شهید امیر پرویز پویان است که هر دو آنها از شهیدان ماه خرداد میباشند .
من این گل را میشناسم
رها کنید مرا ، رها کنید شانه و بازویم را
رها کنید مرا تا ببینم
من این گل را میشناسم
من با این گل سرخ در میدان راه آهن
سلام داده ام
آ ... ی
من این گل را میشناسم
در زندان بودم که خبر را شنیدم . عکس رفیق همراه رفقای دیگر در روزنامه چاپ شده بود چشمانم بر روی عکس خیره ماند ... پویان ... عجیب است ... شروع کرده اند ... به دنبال سفر به روستاها ، دوستیها با مردم مختلف ... پیرمرد روستایی در قطار ... آن جوان با لباسهای چرب و روغنی در قهوه خانه ... آن یاد داشتها ... آن طرز لباس پوشیدنهای مختلف ... همانند مردم بود ... همانند مردم حرف میزد ... آن کتابها ... آن ترجمه انسان را میگیرد "

... آن ناپدید شدنهای ناگهانی ... روزی در مشهد ... روزی در روستاهای گیلان ... روزی در شهرهای لرستان ... همیشه در میان خلق و کمتر در میان ما روشنفکران ... برآستی عجیب بود و آن روز ... بر روی چمن دانشگاه ... مشغول ترجمه نوشته ای از جرج جش بود . کنارش نشستم . سرش را بلند کرد . آن سیمای سبزه گون . آن چشم پر نفوذ و مهربان و لهجه بومیش : " نیروهای انقلابی ایران تاوان خیانت حزب توده را پس میدهند این خیانت تاریخی را تنها با حرکتی تاریخی میتوانیم پاک نمائیم " . این دیکتاتوری فرسوده گردیده ، خلق باید ایمان بیاورد " . " حرف زدن در مورد مارکسیسم بدنیت ، اما عمل کردن به آن بسیار سخت و دشورا است . " و سپس با لحنی ساده از من سؤال کرد : " میتوانی گریم کردن را به من یاد بدهی ؟ ! " برایم عجیب بود و به آرامی به من گفتم : " تئاتر را دوست دارم ، ممکن است بیاییم و رفقا را گریم کنم ... و آن شب ... زمستان بود و نفس در سنیه انسان غ میزد . آن جسه مقاوم و پر جنب و جوش ... آن جسه کوچک اما یکپارچه و جنب و جوش و پر تحرک ... میلرزید ... با آن پیراهن و ژاکت تازه ، با آن کت معمولی ... اصرار داشت که هوا سرد نیست . گفت : " لباس زیادی دست و پای مردم حرف میزد ... آن کتابها ... آن ترجمه انسان را میگیرد "

(یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد)

۳۰ سال از
تظاهرات خونین
۳۰ خرداد
میگذارد . 30
سال آکنده از
تضاد و مبارزه
بی امان علیرغم
فراز و نشیبهای

۲۰ خرداد سال ۱۳۶۰ در

روند مبارزه طبقاتی

بسیار و سرکوب و کشتار رژیم 30 سال بحران و تحول عمیق در روند روبه گسترش مبارزه طبقاتی در جامعه ما . ۳۰ خرداد و تحولات پس از آن همانند هر تحولی در آن زمینه ، نه رویدادی اتفاقی و یا به تمامی ارادی بلکه تنها نشاندهنده وجود زمینه های عینی غیر قابل انکاری بود در روند روبه گسترش مبارزه طبقاتی در جامعه ما . به همان اندازه که تحولات پس از تظاهرات گسترده ۳۰ خرداد خارج از چهارچوب آن نبود و نمیتوانست هم باشد ، اما این واقعیت هیچگاه نمیتواند عوامل موثر چه در کیفیت این رویداد و چه در تحولات پس از آن را نفی کند . رویداد ۳۰ خرداد تنها برپایه زمینه سیاسی معینی امکان بروز یافت و تاثیرات ویژه خود را بر روند آن تحولات که در جامعه گسترش می یافت ، به جای گذارد . آنچه که در ۳۰ خرداد اتفاق افتاد ، تنها انعکاس روند سریع تحولات در سطح جامعه ، در پراتیک معین طبقاتی نیروها و جریانات جامعه بود که همراه با تشکیل قطبهای طبقاتی بعد از قیام بهمن ۵۷ ، بطور روز افزون در تفکرات اتوپییستی فاصله می گرفتند جایگاه واقعی خویش را از میان قبایای حوادث می یافتند تا اینکه از خواب پر از هیاهوی خیالات خوش گذشته پای در میدان واقعی زندگی نهند و از میدان جنگ طبقات متخاصم ، جایگاه واقعی خویش را باز یابند . اما نه این انتخاب و نه آن استقرار در جایگاه اصلی خویش ، به یکباره و با حرکتی سریع انجام نخواهد گرفت . تحولات سیاسی پیچیده گیهای مخصوص به خود را دار است و این پیچیده گی تنها به دلیل زمینه های عینی چنین تحولاتی ، آنها نه تنها به صورتی مستقیم ، بلکه در تجزیه و تحلیل نهایی آشکار خواهد شد . قطعیت یافتن جنگ آشکار طبقات اگر چه حتمی شدن تاریخی است . اما تغییرات در میان دو قطب جنگ که از ویژگیهای نیروی اجتماعی معین است به تناسب هم سنگی و

زمانی همانند شمشیر بر تن
فرتوت و روبه مرگ
جانشین دیو فرو کند .
ضدانقلاب بقدرت رسیده نه
قدرت دفاع آشکار از مرگ
و زوالش یعنی دفاع از
نظامی سرشار از بحران و
صدمه دیده سرمایه داری

تعدادل دربین دو قطب متضاد جامعه و در نتیجه تحولات مشخص سیاسی در اشکال و شیوه های متفاوت خود را نشان خواهند داد . و به بهانه و نامهای مختلف به طرف قطبهای مختلف جهت گیری می نماید . ۳۰ خرداد نه تنها نشاندهنده سیمای نقطه عطف چنین تغییر و تحولی در زمینه جهت گیری نیروهای خرده بورژوازی ، بلکه نقطه عزمیست و چرخش از نظر کیفیت از خط گذار آنان بود . بعد از ۳۰ خرداد جریانات خرده بورژوازی با دو چهره متفاوت اما یک پروسه را از سر گذراندند . این چهره ها اگر چه متفاوت بودند اما از نظر ماهیت خویش در زمینه پایگاه و خاستگاه نقطه شروع خویش به یک شیوه عمل می کردند . ۳۰ خرداد بر خلاف آنچه که شناخته می شود نه رشد و گسترش فعالیت خرده بورژوازی و تسلط تفکرات خرده بورژوازی بر جنبش ، بلکه بحران خرده بورژوازی در مقابل آنچه بود که در جامعه رخ داده بود و دفاع از منافع طبقاتی و روابط و مناسبات مقدس تمامی عاشقان مالکیت خصوصی بود . تا روز سی خرداد ، انقلاب راه دارازی را پیموده بود ، رژیم ساقط شده بود تمامی ستونهای حاکمیت قبلی را زیر ضربه های خرد کننده خویش قرار داده بود ، در همان حال رژیم را به سوی تخت حاکمیت پر تاپ کرده بود که مات و بهوت از اینهمه تغییر و تحول و در حالی که حاکمیت ثبات نیافته بود حکم کشتار کسانی را صادر نمود که زیر آتش مسلسل آنها به تخت حاکمیت لم داده بود تا اینکه انتقام اسلاف خویش را از مردمی بازستاند که چنین با شوق و ذوق از عملکرد بزرگ خویش دفاع میکردند و قطعیت آن اهدافی را موجب شکل گیری بزرگترین قیام توده های در طول تاریخ کشورمان بود را در هم بشکنند تا اینکه انتقام ضعف تاریخی خویش را از نیروی بگیرد که چنین مصمم بدنبال هدف خویش اراده کرده بود هر دست خویش را در هر

ساز به انجام رساندن مستقیم اراده و خواست توده های مردم بمنظور پیشبرد امر انقلاب بود. تحولات پس از قیام بهمن نیز تحت تاثیر تقابلات مابین این دو تفکر مورد ارزیابی قرار می گیرد و ماهیت مبارزه طبقاتی را در جامعه ما آشکارتر میسازد. از ابتدای ۳۰ خرداد سال ۶۰، این تقابل مابین انقلاب و ضد انقلاب به حساسترین مرحله خویش رسید و پروسه ای پراز فراز نشیب را از سرگذرانند. شوراهای کارگری به تدریج مورد هجوم ضد انقلاب حاکم قرار گرفتند، جنبش انقلابی ملیتهای تحت ستم به وحشیانه ترین شکل ممکن سرکوب گردیدند، آزادیهای دموکراتیک توده های مردم سرکوب گردید، تشکلهای دموکراتیک درهم شکسته شد، زندان و شکنجه و کشتار توده ها گسترش یافت، جمهوری اسلامی شرط ثبات و استقرار خویش را در کشتار و قتل و عام ملیتهای کرد، عرب، ترکمن و کشتار در کارخانه ها تا دانشگاهها، یافته بود. اما تمامی اینها همگی یک جانبه نبود. رژیم اگر چه قدمهای مهمی برای حفظ و ثبات نظام حاکم برداشته بود، اما انقلاب نیز از حرکت باز نایستاده بود و توده های کارگر و زحمتکش عرصه های نوینی بمنظور مبارزه با رژیم گشوده بودند. جنبشی عظیم از درون تحولات چند سال پس از قیام سربرآورده بود که ویژگی آن عبور از اهداف نامشخص و فضای مخدوش دوران قیام بسوی خواست و اهداف مشخص مبارزات پس از قیام بود. اگر تا دیروز برای توده های کارگر و زحمتکش اینکه خواهان چه چیزی هستند و چه

کاری میبایست بعد از سقوط رژیم شاه انجام دهند، تا حدود زیادی نامشخص و نشناخته بود. امروزه دیگر تجارب از قیام بهمن و بیشتر از دو سال مبارزه بر علیه حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی به آنها آموخته بود که چه چیزی را طلب کنند و چگونه آنها را به دست آورند. توده های مردم دیوارهای ضخیم شک و تردید در عمل خویش را ویران ساخته بودند و مرزهای مابین نیروی مستقل خویش را با هر نیروی دیگر را در عمل تجربه کرده بودند. از ابتدای ۳۰ خرداد، توده های کارگر و زحمتکش در جریان مبارزه علمی خویش، تجربه بیشتری اندوختند، صف بندی طبقاتی مشخص تر گردید و انعکاس عینی خویش را در انشعابات داخلی نیروها و جریانات سیاسی نشان داد. از ابتدای ۳۰ خرداد و بدلیل انشعابات در قویترین اپوزیسیون چپ ایران یا همان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، تعادل قوای نیروهای جامعه در کوتاه مدت بنفع ضدانقلاب حاکم تغییر کرد و عرضه سیاسی جامعه را به میدان فعالیت جریانات خرده بورژوایی و لیبرال تبدیل نمود. و این حقیقت نیز ویژگی اصلی ۳۰ خرداد را تشکیل داد که انعکاس علمی خود را در جریان ۳۰ خرداد و رویدادهای بعد از آن به نمایش گذاشت. اگر تحولات پیش از ۳۰ خرداد، در روند روبه گسترش خویش، متناسب با گسترش مبارزه طبقاتی بخشی از جرنایات خرده بورژوایی را به دنباله روی از و فداکاری شهدای این روز خونین، با حاکمیت تحمیلی کشانند تا اینکه ماهیت فراگیری تجارب پر ارزش جنبش توده حقیقی خویش را در خدمت به بورژوازی های مردم برای تحقق آرمان و اهداف بیش از پیش آشکار سازند، ادامه این ولایشان گرامی بداریم.

مبارزه برای خواست های عمومی دموکراتیک و پیش برد پیگیر و رادیکال آن ، از مبارزات طبقه کارگر برای آزادی و برابری جدائی ناپذیر است . به این منظور طبقه کارگر میباید ضمن حفظ استقلال طبقاتی خود به سازماندهی خواستهای عمومی دموکراتیک در سطح وسیعتری اقدام کند و بسهم خود در جهت وحدت بخشیدن به این مبارزات در اشکال خاص خود نظیر جنبه مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک و اتحاد عمل های مقطعی و سازماندهی نشریات و تشکل های دموکراتیک کوشش کند .



حضور رفیق مختوم بر مزار شهدای کومله

در تاریخ ۲۰۱۱/۶/۹ رفیق مختوم به نمایندگی از طرف سازمان و کمیته کردستان بر مزار شهدای کومله در گردی سیوان سلیمانیه حضور یافت و با دسته گلی به شهدای راه آزادی و سوسیالیسم ادای احترام نمود . یاد و خاطره همه شهدای راه آزادی و سوسیالیسم گرامی باد

کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

غزل زمانه

نغمه در نغمه خون غلغه زد، تندر شد
شد زمین رنگ دگر، رنگ زمان دیگر شد
چشم هر اختر پوینده که در خون می گشت
برق خشمی زد و بر گرده شب خنجر شد:
شب خودکامه که در بزم گزندش، گل خون
زیر رگبار جنون جوش زد و پرپر شد
بوسه بر زخم پدر زد لب خونین پسر
آتش سینه گل، داغ دل مادر شد-
روی شبگیرگران، ماشه خورشید چکید
کوهی از آتش خون موج زد و سنگر شد
آنکه چون غنچه ورق در ورق خون می بست
شعله زد در شفق خون، شرف خاور شد
آن دلاور که قفس با گل خون می آراست
لبش آتشنه آمد، سخنش آذر شد
آتش سینه سوزان نو آراستگان
تاول تجربه آورد، تب باور شد
وه که آن دلبر دلباخته، آن فتنه سرخ
رهروان را ره شبگیر زد و رهبر شد
شاخه عشق که در باغ زمستان می سوخت
آتش قهقهه در گل زد و بار آور شد
عاقبت آتش هنگامه به میدان افکند
آن همه خرمن خون شعله که خاکستر شد

سعید سلطانیپور

آخرین اطلاعیه ها و نشریات سازمان را از این آدرسها دریافت کنید

WWW.kare-online.com
www.fedayi.org

webmaster@fedavi.org

FAX:+46317792571

Kurdistan@fedavi.org

azer@fedavi.org

روابط عمومی

کمیته کردستان

کمیته آذربایجان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!